

عرض سلام و ادب و احترام خدمت همکاران ارجمند و اساتید بزرگوار و با تبریک اعیاد شعبانیه، ولادت با سعادت امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) (و حضرت ابوالفضل العباس و میلاد حضرت بقیه الله اعظم) عج (و با عرض تبریک چهل و ششمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، خیرمقدم خدمت همه دوستان عرض می کنم که در واقع بزرگواری کردند این حلقه ارزشمند در رابطه یکی از منابع مورد وثوق تحت عنوان انسان 250 ساله این گردهمایی را به عمل آوردند. خدمت شما عرض کنم تا جایی که اطلاع داریم خیلی از دوستان قبلاً کتاب را مطالعه کرده اند ولی این حلقه به این دلیل تشکیل شده که با توجه به ماموریتی که طبق مصوبه شورای پژوهشی مقرر شد که همکاران و واحدهای پژوهشی پژوهشگاه یک موضوع و یک کتاب را مشخص کنند و در قالب همین کتابی که مشخص شده مباحثات و تبادلات علمی شان انشاء الله شکل بگیرد و ممکن است که در بلند مدت یا میان مدت اصلاً روند کار تغییر پیدا کند ولی این بهانه ای باشد که حداقل زنده بودن پژوهشگاه و ارتباط داشتن همکاران پژوهشگاه به شکلی ادامه پیدا کند بنا را بر این گذاشتن که کتاب هایی را که از جانب پژوهشگاه ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه انشاء الله معرفی بشوند. درباره این کتاب هم عرض کردم که ما از قبل مطالعاتی انجام دادیم و اکثر دوستان هم این کتاب را مطالعه کرده اند و این کتاب یک کتاب مبنا است و اگر بخواهیم یک جمله درباره اصل کتاب و گردآورندگان کتاب و در واقع درباره صاحب اثر کتاب مطرح کرده باشیم، من اعتقاد دارم این کتاب یک نظریه را

در خودش به همراه دارد و من در ابتداء این نظریه را مطرح نمی کنم و نظریه خود مقام معظم رهبری است که در قالب بیان ات شان که در دهه پنجاه مطرح کردند خلاصه یک جورایی گردآوری شده و کار ویراستاری هم روی آن انجام شده و یک کار ارزشمندی هم هست که اگر دوستان نکته ای نداشته باشند ما در خدمت دوستان برای ابتداء کار هستیم و بحث را شروع کنیم. کاری که به دوستان مٌحول کردیم این بود که از ابتداء کتاب تا صفحه 70 را دوستان مطالعه کنند و به هر میزان که در این جلسه مقدور بود شروع می کنیم و در جلسات بعد هم بحث را ادامه خواهیم داد. من قبل از اینکه خودم طرح بحث کنم اگر دوستان فرمایشاتی دارند پیش از دستور و پیش از مقدمه مطرح کنند و ما هم استفاده کنیم و من هم به جهت اداء تکلیف صحبت های کلی و مقدماتی را مطرح می کنم بعد هم از دوستان و نقطه نظرات شان بهره

خواهیم برد. نکته ای هست دوستان بفرمائید. اولین نکته ای در رابطه با کتاب مطرح کنیم و مطرح کردن اش بد نباشد عنوان کتاب انسان 250 ساله هست ولی گویا سه تا حلقه دارد، حلقه اول، حلقه دوم و حلقه سوم اینها مواردی هست که ما تا الان با آن مواجه شده ایم. من نمی دانم که حلقه یکی را اصلاً کسی دیده است یا خیر؟ این حلقه ها کار تکمیلی بوده که اخیراً در رابطه با آن ذکر کرده اند.

خُضار:

دکتر جان اشاره کوچکی دارد که یکی از آنها آمده و در واقع به شکل ساده تر به دانش آموزان در رابطه با ائمه صحبت کرده است. نسخه سوم هم حلقه سوم را دارد.

سخنران اصلی:

من نظرم این است که یک نسخه را بین دوستان توزیع کنند که همه نسخه دوستان یکسان باشد و صحبت کنیم. نسخه ای را که ما

الان گرفتیم نسخه حلقه دوم است که اگر ما بخواهیم در شروع نکاتی را در رابطه اش مطرح بکنیم اصلی ترین واژه همین عدد 250 هست. مبنای این عدد چی بوده؟ اگر بخواهیم این کلید واژه را توضیح داده باشیم مبنای این عدد سال دهم و یازدهم هجرت است تا سال 250 هجری قمری، معذرت می خواهم چون دارم روی کتاب می خوانم تا سال 260 هجری قمری که عدد آن 250 سال می شود پس از سال دهم و یازدهم تا سال 260 که در صفحه 16 در رابطه با آن آمده است که من از روی کتاب عیناً دارم ذکر می کنم ولی سال غیبت صغری سال 261 است. حضور شما عرض شود که سال 261 منهای سال دهم یا یازدهم همان عدد 250 باقی می ماند. این تاریخ در واقع چه تاریخی است؟ این سالی هست که نبی مکرم اسلام (ص) (ع) را به عنوان جانشین خودشان تعیین کردند. بعد از این نکته و این واژه که خدمت دوستان عرض کردم من چند تا یادداشت درباره این صفحاتی که هست نوشته ام این است که آنچه که می خواهد مبنا قرار بگیرد برای این 250 سال و من هم روی اش تمرکز پیدا کرده ام این است که می خواهد بگوید که اکثر این افراد یعنی همه این افراد از امام اول تا امام یازدهم و امام دوازدهم که غیبت می کنند همه افراد شهید می شوند یعنی یازده امام شهید می شوند یک امام هم برای اینکه به شهادت نرسد و از بین نرود بالاخره در حال غیبت قرار می گیرد. یک دلیل برای این موضوع در این کتاب ذکر شده است و آن این است که طرف حساب این امامان کی بوده که به شهادت می رسند و طرف حساب این امامان کی بوده که در نهایت غیبت صغری و کبری به وجود می آید. توی ابتداء بحث مقام معظم رهبری تاکید به این می کنند که دلیل اصلی اش این بوده که اینها (امامان) می خواستند کار سیاسی انجام بدهند و حرف اصلی شان این بوده که حتماً می خواستند جهت گیری سیاسی داشته باشند و سیاست برای شان اصل بوده و آنقدر سیاست برای شان اهمیت داشته که جان خودشان هم را فداء کردند یعنی برای انسان 250 ساله اصلی ترین چیز سیاست بوده و آنقدر اصل و مهم بوده که جان خودشان را هم فداء کردند یعنی هیچ امامی نیست که خلیفه ای آن را نکشته باشد یا طرفداران خلیفه ای یا کسانی که می خواستند به حکومت برسند این کار را انجام دادند و دو نفر از آنها که در مسند حکومت بودند و مابقی هم که نبودند مبارزه سیاسی برای شان اصل بود اما به شرط ها و شروط ها، شکلی و قاعده ای داشت این مبارزه سیاسی. یکی از مطالبی که مقام معظم رهبری مطرح می کنند هدف اساسی از این مبارزه سیاسی رسیدن به حکومت علوی بوده و حکومت نبوی بوده و برای آنها اصالت داشته که به آن حکومت برسند ولی باز به شرط ها و شروط ها که این شرط و شروط تفاوت پیدا می کند و هیچ کدام از این امامان مبارزه مسلحانه انجام ندادند این به این معنا نیست که اگر مبارزه مسلحانه انجام ندادند بعضاً با مبارزه مسلحانه مخالفت کرده باشند و شاید یک جاهایی مخالفت کرده باشند و شاید یک جاهایی حتی موافقت کرده باشند و حمایت هم انجام داده باشند و شکل حمایت هم ممکن است تفاوت داشته باشد یعنی این یک نکته اساسی است که مبارزه سیاسی هدف بوده و حکومت برای شان اصل بوده ولی خُب انجام این مبارزه به صورت مسلحانه اصل نبوده و شاید هم اقتضاء می کرده که به صورت مقطعی هم انجام بگیرد. این مسیر ادامه داشته است و اصلاً چرا مبارزه سیاسی انجام دادند و اصلاً به چه جهتی این کار را انجام دادند؟ بعد رحلت نبی مکرم اسلام (ص) (اشکالاتی به وجود آمد به این جهت که عملاً همان طوری که همه انبیاء می خواستند و آن طوری که نبی مکرم اسلام می خواست این اعتقاد را داشتند که بعد از شهادت امام علی و امام حسن (ع) (جای امامت و نبوت با سلطنت تغییر پیدا کرد و چون تغییر پیدا کرد از ریل خارج شد و وقتی از ریل خارج شد باید مبارزه کنی و فشار بیآوری که مجدد به سمت ریل برگردد چون این یک اشکال اساسی هم بود و توضیح هم می دهند که به خاطر مطامعی بود که وجود داشت و یک عده ای نمی خواستند که آن طور که باید و شاید آن تفسیر اساسی در رابطه با قرآن و ختم نبوت و دین برای اداره امور جامعه و شئون جامعه در نظر گرفته بشود تازه عرض کردم زندگی ائمه اطهار اصلی ترین حکمی که می توان در موردش صادر کرد، چون همه مسائل را ائمه اطهار داشتند و رسالت خودشان را انجام می دادند و درس و مشق خودشان را داشتند و حدیث و کلام و روایات سر جای خودش بود ولی اصلی ترین مطلب که همه شئون زندگی ائمه اطهار را در برمی

گرفت در واقع خود بحث حکومت و سیاست بود. خود این مبحث را اگر اسم اش را بگذاریم توضیحات مقدماتی و مقدمه خود این بحث را امام صادق اینگونه بیان می کنند و می فرمایند:

"اینها الناس عن الرسول الله کان الامام"

یعنی می گوید خود حضرت رسول الله امام بود و امام علی هم امام بود و همه این امام ها به ترتیب، امام حسن، امام حسین و تا به خود امام جعفر صادق برسد امامت برای شان اصل بود و این یعنی همان نظریه ای که در رابطه با اصل خود کتاب مطرح کرده باشیم. من خدمت دوستان هستم و خود بنده به صفحه 25 کتاب رسیده ام و چه بسا ما چیزی را کم گفته باشیم یا شاید بگویم از قلم افتاده باشد دوستان بفرمایند و ضمناً اگر بخواهم عرض انتهایی خودم را در این بخش مطرح کرده باشم که ما این کتاب را اینگونه تقسیم کنیم که در هر جلسه ای یکی از اعضاء بخشی یا صفحاتی را به عهده بگیرد و مسئول آن جلسه خاص باشد. ابتداء کار را خود بنده به عهده گرفتم و جلسات بعدی را بقیه دوستان بزرگوار بر عهده بگیرند و حالا یکی دو جلسه را بگویند و توی جلسات بعد هم می توانند ذکر کنند چون بعضی دوستان غایب هستند، آقای دکتر فتح الهی در جلسه قبل گفت ولی من قول این جلسه را به جای دیگری داده بودم و آقای دکتر اعتمادی هم این را مطرح کرد و خواستیم بحث ها با هم زیاد فاصله نداشته باشد و عمداً کمی عقب انداختیم ولی جلسه بعدی را همان ساعت ده که توافق کردیم را در خدمت تان هستیم. به جهت اینکه خود جلسه و کتاب کار در رابطه با یکسری موضوعات مقدس اهل بیت (ع) (مطرح است یک صلوات عنایت بفرمایید.

خُضار:

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند جمله ای فقط عرض کنم و در جلسه بعد مفصل تر بحث می کنیم. در جلسه اول همین شیوه کار را یک نفر مشخص کند که حالا آقای دکتر اشاره کردند و چند جور می شود که کار کرد، یکی اینکه کتاب به صورت فصل فصل خوانده و بحث شود. یکی دیگر که این کتاب منبع الهام برای جلسه باشد و این باعث بهانه ای می شود که زندگی ائمه مورد بحث قرار بگیرد و مثلاً ما هر جلسه ای را به یک امام اختصاص بدهیم و یک بخش هایی از آن همین بحث های کتاب باشد و می توان بخش هایی از کتاب های دیگر هم استفاده کرد و در نهایت تحلیل جامعی نسبت به زندگی ائمه در جلسه پیدا بشود و می شود که شیوه های مختلف را کار کرد و پیشنهاد من این است که در هر جلسه یک نفر به عنوان مُتولی بحث را شروع بکند و بعد همه صحبت کنند و به نظر من از منابع دیگر هم می توان استفاده کرد چون این کتاب سخنرانی هست و وقتی که سخنرانی باشد می توان از خود منابعی که رهبری از آن نوشته استفاده کرد و به این بحث کمک کند، مثلاً فرض کنید راجب امام حسن ایشان یک کتابی دارد و آن را ترجمه کرده است و از همان کتاب هم می توان کمک گرفت و راجب مطالب دیگر هم استفاده کرد و بحث یک مقدار جامع باشد. بحث دوم ام این است که این کتاب طرز و نظریه اصلی اش این است که بالاخره همه امام ها ادامه همدیگر بودند و در واقع مثل یک انسان اند یعنی همه یک انسان کامل که 250 سال این ادامه پیدا کرده و نمی شود گفت که امام حسین چون جنگیده است از امام حسن برتر بوده و مثل این چیزهایی که درباره امام حسن این فرقی اسلامی مطرح می کنند مثلاً زیدی ها می گویند که اصل جهاد است و هر کسی که جنگ نکند امام نیست و به همین دلیل به سمت زید رفتند و زید را به عنوان امام قبول دارند یا مثلاً بقیه فرقی اسلامی و ...

بحث اصلی این است که ما یک انسان کاملی داریم که 250 سال در این جهان بوده و البته ادامه پیدا کرده و امام آخر حضور دارند اما غیبت پیدا کردند و بحث این است که سیره این امامان در ادامه هم هستند یعنی مثلاً اگر امام حسن هم جای امام حسین بود می جنگید یا امام حسین جای امام حسن بود صلح می کرد یا مثلاً اگر شرایط مثل زمان امام باقر و امام صادق بود چون امام باقر و امام صادق در یک دوره تاریخی خاصی حضور داشتند و عباسیان تازه به قدرت رسیده بودند و أمویان ضعیف شده بودند در واقع یک خلاء قدرتی وجود داشت که در آن خلاء قدرت اینها یک فرصتی پیدا کردند که کلاس های درس گذاشتند و در واقع می

توان گفت که جریان تشیع در دوره امام باقر و امام صادق شکل گرفت و تنوریزه شد و اکثر احادیث ما برای دوره امام باقر و امام صادق هستند و شاگردان زیادی را تربیت کردند. امام باقر و امام صادق این همه اساتید زیادی را تربیت کردند حتی خیلی از علماء اهل سنت شاگردان امام صادق بودند و این باعث شد که تشیع از لحاظ نظری برجسته بشود و خودش را مطرح بکند و وجه تمایزش را با فرق آن عالم اهل سنت مشخص بشود و به همین دلیل روی امام باقر و امام صادق کم کار شده البته ما روی بقیه امامان هم کم کار کردیم منتها روی بقیه امامان حساسیت بیشتر است مثل امام علی و امام حسین ولی الان انصافاً ما به مباحث امام باقر و امام صادق نیاز داریم و روی نظریات شان و شبهاتی که هست خیلی کم کار شده، خُب اگر امام حسین در شرایط امام باقر بود هم این کار را می کرد یا مثلاً بعضی امامان در دوره ای سعی می کردند که خودشان را در جامعه مطرح نکنند مثلاً امام سجاد بعد از واقعه کربلا به یک گوشه ای رفت و بیشتر به ذکر و دعا و نیایش پرداخت و در واقع از این طریق کارهای اش را انجام می داد ولی بعضی امام ها هم به عنوان ولیعهد خودشان را مطرح کردند مثل امام رضا و خودش پذیرفت که ولیعهد باشد و به معنایی سلطنت را پذیرفت و اینکه با یک حاکم جاعل کار بکند و اینها واقعاً دو تا بودند یا یکی همه حرف مقام معظم رهبری این است که اینها همه مثل یک چهره هستند، کُلهم نُور الواحد، همه اینها یک انسان جامع و کاملی هستند که منتها مبتنی بر شرایط زمان و مکان تغییر استراتژیک و تغییر تاکتیک دادند و رویکردهای مختلف داشتند بنابراین ما باید این جوری بهش نگاه بکنیم که حتی بعضی معتقد هستند که شیعه با توجه به این دوازده امامی که دارد می تواند دوازده تا تاکتیک داشته باشد و دوازده تا شیوه مبارزه داشته باشد منتها هدف اصلی همه این امامان چی بوده؟ هدف اصلی همه شان اقامه دین و ارزش های دینی در جامعه و به هر حال و در واقع یک پیوندی بین دین و سیاست اینها اعمال کنند و به نوعی حضور داشته باشند حالا بعضی وقت ها با سکوت شان این نوع سیاست را اثبات می کردند یعنی همین که نسبت به خلیفه بی تفاوت بودند همین مسئله مشروعیت خلیفه را زیر سؤال می برد و بعضی وقت ها هم با همکاری با خلیفه و با مباحث شان این کار را انجام می دادند، پس ما باید در اینجا دو تا بحث را بشناسیم که یکی تاکتیک های اینها و دیگری هدف نهایی شان هست و هدف اصلی نباید فراموش شود و این می تواند برای شیعیان راهگشا باشد که در کل تاریخ بدانند این هدف را گم نکنند و دوم اینکه آن انعطاف لازم را در عمل داشته باشند یعنی این گونه نیست که دین صفر و صدی باشد که مثلاً من کاملاً بجنگم و نابود کنم در صورتی که این طوری نیست و مذهب شیعه انعطاف بسیار بالایی که دارد به خاطر همین سیره ائمه هست یعنی تاکید روی مصلحت و تاکید روی تَقِیّه و تاکید بر روی اجتهاد مبتنی بر زمان و مکان، تاکید روی عقلانیت و تجربه همکاری حتی با خلفاء که همه اینها خیلی کمک می کند که شیعه انعطاف اش را حفظ بکند و در طول تاریخ ماندگاری اش هم به خاطر همین انعطاف اش بوده مثلاً اگر شما فرق های شیعه را نگاه بکنید می بینید چقدرشان کتاب های شان را به سلاطین هدیه کرده اند یا مثلاً می رفتند و با یک خلیفه مُغولی همکاری می کردند و این کار خودش بسط تشیع در جهان می شد و اینها نشان می دهد که تشیع خیلی منبسط و باز است و خیلی قابل انطباق با شرایط زمان و مکان است.

خُضار:

بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِيم

تقدیر و تشکر از آقای دکتر که حلقه را شکل دادند و از ما دعوت کردند و انشاءالله بعد از اتمام یک درک عمیق تری از انسان 250 ساله در این حلقه داشته باشیم. من به طور کلی برداشتم این است که رویکرد این کتاب 250 ساله که رهبری مطرح می کنند در ذیل فلسفه تاریخ هم شاید قرار بگیرد که فلسفه نظری تاریخ یا همان فلسفه جوهری تاریخ به نظر من هست که مسیر تاریخ را یک کالبد می بیند یعنی مسیر تاریخ را همان طور که غرب و هِگِل هم می گوید که مسیر تاریخ مسیری تکاملی هست و روح تاریخ معصوم است، این جمله هِگِل است، ما هم این مسیر تاریخ را تکاملی می بینیم چیزی که شهید مطهری می گوید و چیزی که به نوعی و به تعبیر دیگری دکتر شریعتی می گوید و در آنجایی که آری این چنین برادر را شرح می دهد، من سخنرانی اش را گوش کرده ام و دوستان مستحضر هستید که ایشان می گوید من در اهرام ثلاثه مصر رفتم که یک بازدید داشتیم و بالاخره به

عنوان گذری از تاریخ نگاه کردم و یک جایی خواستم که وارد بشوم آن راهنما و لیدر تور گفت نه اینجا را نرو. گفتم چرا؟ گفت اینجا محل دفن است و چیز خاصی توی اش نیست و اینجا محل دفن انسان هایی هست که در اینجا کارگری کردند و کار کردند و در طول سال هایی که این اهرام ساخته شده اند فوت کرده اند و در اینجا دفن شده اند و می گوید که من یک لحظه به خودم آمدم که اتفاقاً من با اینها کار دارم و از اینجا داستان اش را شروع می کند و می گوید اینها خویشاوندان تاریخی ما هستند و اینها مستضعفین ی هستند که با ما خویشاوند هستند در مستضعف بودن و بعد دو تا جریان تاریخی را باز ایشان در روبروی هم قرار می دهد خیلی نگاه شریعتی تحت تاثیر این دو تا نظریه بود، حق و باطل که خودش عاشوراء را سَمبُل این نظریه می داند و آن را نبرد حق و باطل می داند ولی به طور کلی این مسیر دو گانه تاریخ را و تفسیری هم که از عاشوراء دارد می گوید روده های دجله و فرات که از ترکیه و آارات سرچشمه می گیرد و در کربلا به هم می رسد این نبرد و رویایی شان در آنجا همان تقاطع این دو رود است و در آنجا بهم می رسند و در آنجا نبرد تاریخ شکل می گیرد و خیلی ذهن اش حق و باطلی است و لذا دکتر شریعتی در آری اینچنین بوده ای برادر می گوید که ما رفتیم و بعد با اینها شروع گفتگو می کند و این گفتگو در حقیقت همان آری اینچنین بوده ای برادر که سخنرانی است که نمرود و فرعون را به نوعی به عنوان قبیلیان تاریخ از آنها نام می برد در مقابل جریان حق تاریخ قرار می دهد و بعد رسول الله را به عنوان سرمنشاء جریان حق تاریخ قرار می دهد و بعد هم می گوید که اینها از طایفه قبیلیان هستند و یک شرح بسط مفصلی می دهد لذا دو رویکردی که ما در فلسفه تاریخ داریم که یکی تاریخ را منقطع می داند یعنی تاریخ رویدادهای بهم پیوسته ای هست که هیچ ربطی هم ممکن است بهم نداشته باشند و این یک نظریه در رویکرد تاریخ است و یک نظریه دیگر فلسفه نظری تاریخ است که همان فلسفه جوهری تاریخ است که می گوید مسیرها در حقیقت آرگانیک است یعنی یعنی یک کالبد هست و انسان را یک کالبد می بیند نه مکانیکی در انسان مکانیکی هر عضوی کار خودش را می کند چشم و دست و اینها بالاخره در انسان یک کالبد است و در خودرو اینها را وقتی در مکانیک خودرو در نظر می گیرید سر شمع یک کار می کند و رادیاتور یک کار می کند و هر کدام وظایف مستقلی دارند اما کالبد انسان که آرگانیک است یک حرکت هماهنگ دارد.

آقای دکتر:

در تعبیر این کتاب هم می گوید "كُلُّهُم نور الواحد" امامان همه شان یک نور واحد هستند، این هم به شکلی با توجه به پیشنهادی که آقای دکتر دادند که ما صرفاً تمرکزمان روی این کتاب نباشد و چیزهای دیگری را هم که می خوانیم و لازم است به آن اضافه بشود می تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

حضار:

مجموعه پنج شش جلدی شهید مطهری درباره فلسفه تاریخ این بخش اش را من هیچگاه فراموش نمی کنم چون من اینها را خواندم و آنجایی که صحبت می کنند که در طول تاریخ بالاخره مسیرهای غلط هم بود و عقب گرد هم بود و یک جاهایی تاریخ همیشه رو به تعالی نیست و ایشان در پاسخ می گوید که مسیر تاریخ روبه تعالی است مثل قافله ای و کاروانی که هر چقدر دارد حرکت می کند از مبداء اش دور می شود و به مقصدش نزدیک می شود لذا ممکن است که در این مسیر هم چهار قدم به عقب بیاد اما روند کلی روند روبه تعالی است.

آقای دکتر:

تجدید قوا است.

حضار:

آحسنّت، روند در حال تعالی است و در همین تحولاتی هم که اکنون در منطقه اتفاق می

افتد، آقایان دکترها هم از اساتید بنده هستند، لذا این مسیر است و چیزی که رهبر انقلاب اشاره داشتند که انسان 250 ساله همان کالبد است و یک انسان 250 ساله در برابر آنکه اجزاء عالم را مکانیک می بیند ایشان می آید و می گوید کالبد یک جسم است در حقیقت انسانی است و انسان واری می بیند. حالا ما در جلسات بعدی استفاده بیشتری خواهیم کرد.

حضار:

به نام خدا و خدمت حضار گرامی سلام عرض می کنم و خسته نباشید خدمت آقای دکتر عرض می کنم بابت برگزاری این حلقه که مُزین به نام امام علی و امام علی پژوهان هست. خُب عنوان کتاب انسان 250 ساله و نگاه به سیره مبارزاتی ائمه، من هفده هجده تا نکته از این 84 صفحه ای که در واقع از این کتاب مطالعه کردم و چون کتاب دیروز به دست من رسید را در واقع استخراج کردم و می خواهم که با شما در میان بگذارم که خوانش و فهم خودم را از این کتاب ارائه داده باشم. یکی از نکات خیلی مهم این است که اهمیت کتاب به نوعی تاریخ سیره پژوهی سیاسی را دارد مطرح می کند، خُب سیره پژوهی و کتاب های سیره و کتاب های مختلفی که مخصوصاً در قرن اول هجری نوشته شده است کتاب های تاریخ نگاری هستند که هنوز تاریخ نگاری اسلامی شکل نگرفته است یعنی ما در قرن اول و دوم یک تاریخ نگاری مبتنی بر سیره را داریم، بر حدیث را داریم، بنابراین قرن سوم آغاز شکل گیری تاریخ نگاری اسلامی است و با کتاب تاریخ طبری می آید و از مقتل ها مثل مقتل ابی مخنف و دیگران برای توصیف قیام عاشوراء استفاده می کند. از این جهت سیره پژوهی سیاسی حائز اهمیت است و تاکید می کنم بر روی اینکه یکی از وجوه اهل بیت در این کتاب سیره پژوهی است همچنان که کتاب با یک خاطره بسیار جالبی از آقای سید عباس موسوی قوچانی روحانی مبارزی که در دوره پیش از انقلاب زندانی بود و با رهبری هم‌رمز بوده بحث شروع می شود و بر روی صبر و تحمل به عنوان کلید واژه های اصلی تاکید می کند بنابراین سیره پژوهی سیاسی از این جهت مهم است چون منابعی هستند که مورخان بعضاً آنها را جدی نمی گرفتند و یا به عنوان متن منبع تاریخ نگارانه از آنها تلقی نمی کردند. نکته دومی که در این کتاب توجه من را جلب کرد و اینکه اسلام ذاتاً سیاسی است و اینکه ما کتاب هایی داریم به نام اسلام سیاسی در ایران برای تفسیر انقلاب اسلامی خُب اسلام ذاتاً امری سیاسی است یعنی این نیست که این ویژگی را بر آن عارض شده باشد بلکه این ویژگی به صورت ذاتی اش هست. طرح اسلام سیاسی در این کتاب یکی از ویژگی های مهم اش هست که در طول کتاب و در 84 صفحه اول به آن پرداخته شده است و اینکه دوره تاریخی که در این کتاب مورد توجه است دوره 250 ساله است یعنی از رحلت پیامبر تا آغاز غیبت امام مهدی که این دوره 250 ساله از این نظر مهم است که ما در این دوره امامان شیعه بعد از امام علی امامت را دارند ولی خلافت را ندارند و بدین معنا که تفکیک بین قدرت سیاسی و قدرت دینی اتفاق می افتد و این قدرت دینی و قدرت سیاسی یک دوگانه ای را شکل می دهد که همراهی با سلاطین جور چطور و در واقع استفتاءاتی که در طول تاریخ رخ می دهد این که کجاها می توان همکاری کرد و کجاها می توان همکاری نکرد. داستان صفوان را ما می دانیم که شترهای اش را به خلیفه عباسی داده بود و در واقع امام تاکید کرد که شما حتی برای حج هم نباید چنین کاری را انجام بدهی خُب این بدین معنا هست که این دوره از رحلت پیامبر تا غیبت امام زمان یک دوره مبارزه و صبر است و دوره ای است که ما به عنوان انسان 250 ساله در این کتاب می بینیم و نظریه ای که مبتنی بر این است که این انسان که بحث فلسفه تاریخی اش را که مطرح می کنند اینکه انسان در این مسیر یک روند تکاملی را طی می کند چون ما حرکت های خطی در تاریخ داریم که تکاملی هستند و بعضی حرکت های فلسفه تاریخی به نوعی سیکلی کال و دایره ای هستند و تاریخ تکرار می شود و بعضی حرکت ها مارپیچی هستند که ما در آن جهش را (در آن می بینیم) به نظر می رسد که حرکت مارپیچی در تاریخ بر اساس آن چیزی که تکامل همواره یک خط سیر یگانه را نخواهد داشت به این معنا که گاهی اُفت و گاهی بلندی دارد.

(حلزونی بودن تاریخ است که شهید مطهری هم به حلزونی بودن تاریخ اشاره دارد.) که من از آن به عنوان مارپیچی بودن تاریخ اسم می برم. نکته بعدی که من مدنظر هست این است که تاکید بر جهاد و مبارزه در زندگی سیاسی ائمه و اینکه امامان شیعی در

بدترین حالت ها و سخت ترین شرایط مبارزات خودشان را به نحوی با حُکام جور نشان می دادند. در مورد خود کتاب که 700 سخنرانی و متن دست نویس را در واقع گردآوری و تنظیم و ویرایش کرده یک نوع رویکرد تاریخ شفاهی را دارد یعنی این حالت زمان گونه تاریخی که در واقع نشان می دهد که چگونه مخاطب جذب این کتاب بشود و این حائز اهمیت است. من در مورد موضوع بعدی رویکرد تفصیلی و جزئی نگر به تاریخ را در این کتاب را مشاهده کردم که یک نوع تاریخ خُرد و تاریخ رخداد محور را به ذهن ما می رساند که جزئیات یک موضوع را که چطور پرداخته شده و در واقع این بر خلاف تاریخ عمومی نویسی ها جزئی نگری در اینجا به صورت جدی در اینجا مشهود است ضمن اینکه یک تاریخ جامع هم هست یعنی مطالعه آن برای مخاطب باعث می شود که از گرایش و مطالعه مخاطب بر آثار دیگر را بی نیاز می کند در واقع تاریخ جامعی است که از جهت سیره پژوهی به آن توجه شده است یعنی شکل های تاریخ نگاری من مدّنظرم هست که در این کتاب خیلی بهش توجه شده و تلاش برای حفظ اصالت اسناد و سبک نگارش و ویرایش مُتون هم در این کتاب مشهود است و پی نوشت های مهمی دارد که در پایان کتاب من دیدم که آمده است. من برمی گردم به این نکته که آقای دکتر فوزی هم گفتند که اصل تقیه و اصل مبارزه دو گانه ی توفیق شیعیان در طول تاریخ بوده و اینکه آنها در طول تاریخ یک تاکتیک نداشتند بلکه تاکتیک ها را داشتند یعنی اینکه سعی می کردند که بنا به اقتضاعات زمان حرکت خودشان را تند یا کُند کنند و این خیلی مهم است که تشیع تا مدتی در تَسَنن شافعی ادامه حیات داد یعنی نزدیک ترین مذهب سنی هم به تشیع همین تَسَنن شافعی مذهب است و یا مثلاً در قالب تَصَوّف و در قالب صوفیانی که یک زندگی دنیا گریزی را مطرح می کردند و این خودش یک نقدی بر قدرت سیاسی بود که در واقع در دست امامان نبود و در ابتداء در اختیار خلفاء اُموی و بعد هم به خلفاء عباسی و بعد هم در ادامه همین خلفاء عباسی روندی را که طی می کنند یک روند یگانه نیست. ما می توانیم یک حرف حق را به ده شکل متفاوت بیان کنیم و این کاری است که امامان شیعه به ما آموخته اند و در واقع در سیره آنها به ما می آموزند و به عبارت دیگر اصل تقیه و اصل مبارزه به عنوان اصل دوگانه تشیع در طول تاریخ در این کتاب انعکاس پیدا کرده و از آن به عنوان یک تاکتیک موضعی نام می برند و بدین معنا که حرکت گاه تند و گاه کُند می شود و تاریخ به ما می آموزد که ما در گذر زمان یک حرکت یگانه و یک تاکتیک یگانه را نداشته باشیم بلکه می توانیم همان طوری که عرض کردم در قالب های مختلفی یک حرف حق را به بیان های متفاوتی بگوییم. بیان محاوره ای کتاب به خاطر اینکه سخنرانی ها هست بنابراین در اینجا خیلی لازم است که مخاطب با این سخنرانی ها و گفتگوها در واقع ارتباط برقرار می کند و این مهم است و دیگر اینکه ویژگی هر کدام از امامان را در این کتاب استخراج می کنیم، مثلاً اینکه امام حسین اهل قیام بوده و امام حسن اهل صلح بوده و امام سجاد اهل ذکر بوده و امام باقر و امام صادق بنیان گذار تفکر و اندیشه علمی تشیع به صورت مشخص هستند امام رضا با وجود ویژگی های خاص خودش اما ولیعهد مامون می شود و این روندها به ما نشان می دهد که ویژگی هر کدام از امامان با توجه به شرایط خاص تاریخی و در واقع آن تاکتیکی که برای طرح کردن حق انتخاب می کردند در مقابل باطل متفاوت بوده و این ذات انسان 250 ساله و حلقه وصل اش این است که آن انسان 250 ساله را در حقیقت بهم وصل می کند و این حلقه 250 ساله حق محوری و حق مداری هست که در حرکت تشیع با اُفت و خیزهای تشیع در طول تاریخ کاملاً مشهود است و بنابراین تاکتیک و هدف با هم فرق می کنند و هدف یکی است ولی تاکتیک متفاوت است و در این کتاب من در 84 صفحه اول اش به این فهم رسیدم که در واقع کتاب سیره پژوهی را خیلی برجسته می کند و از نظر روش شناسی و الگوی نگارش کتاب و از نظر شناخت خوب و عمیق نگارنده از تاریخ بخصوص قطعات تاریخی زندگی امامان معصوم و از حیث رویکرد تفصیلی و جزئی نگر به مسائل و همین طور از جهت مراجعه به اسناد و منابع تشیع در قرون اول اسلامی حائز اهمیت است. ما تاریخ نگاری را به طور مشخص از قرن سوم داریم ولی بسیار منابعی که در این کتاب آمده و در واقع بیانگر ذهنیت مولف این کتاب هستند منابعی هستند که در واقع حائز اهمیت و اعتبار زیادی هستند و گزینش آنها هم خیلی مهم است برای اینکه بتوان به یک فهم دقیق

تر از تاریخ سیاسی زندگی امامان معصوم برسند و به هر حال برای جلسه اول طرح بحث شد و انشاء الله برای جلسات بعدی در خدمت شما خواهم بود.

حضار:

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتداء به صورت کلی می توان گفت که این تفکر و برنامه ای در پژوهشگاه تحت عنوان حلقه های بحث در مورد موضوعات مختلف در بین پژوهشکده ها راه افتاده که فکر خیلی جالبی بوده برای یک مرکز پژوهشی و بعد اینکه خود مرکز امام علی در راستای این سیاست کلان پژوهشگاهی این موضوع را مورد مطالعه و پژوهش قرار داده جای تقدیر و تشکر دارد. در مورد انسان 250 ساله شاید همان کتاب دوره جوانی ما برای اوایل دهه 50 یا دوره انقلاب بود، حیات سیاسی ائمه تحت نویسندگی سید علی خامنه ای که انتشارات بعثت در هفتاد یا هشتاد صفحه چاپ شده بود و این (کتاب) در تداوم همان بحث ها می تواند باشد که باعث شده که این کتاب تدوین شده است البته همان جوری که توضیح می دهد سه تا حلقه متفاوت یک، دو و سه گذاشته و علی رغم اینکه می گوید اینها با هم ارتباطی ندارند که این یک بحث کلی هست اش و هر کدام از آنها بحث جدایی را دارند، من بیشتر به عنوان یک پژوهشگر اصلاح طلب به این کتاب نگاه کردم و به عنوان کتابی که اصل بحث آن درباره حیات سیاسی ائمه است و از طرفی یک فردی هست که انتخاب شده به عنوان رهبر مسلمین جهان لذا کتاب باید در قواره چنین شخصیتی باشد که درست می شود به همین علت من در نوشتن و شیوه ارائه بحث ها چون که بحث هایی است که سی سال، چهل سال و پنجاه سال پیش انجام شده است و خُب زحمت کشیده شده و پیاده شده است اما به عنوان یک کتاب افرادی که جمع آوری کننده و ارائه دهنده این کتاب هستند انتظار دقت بیشتر و ویرایش بهتری از آنها دارم، یعنی اگر من جای آقای دکتر بودم این کتاب را انتخاب نمی کردم و کتاب حلقه سوم خیلی جذاب تر و نوشته اش خیلی بهتر و عمیق تر و دقیق تر هست اش تا این حلقه دوم. موضوعی که هست این نیاز به یک مقدماتی دارد و من تصورم این است که ماها باید انجام بدهیم. وقتی که درباره تاریخ شیعه و مبارزات سیاسی ائمه بحث می شود و به هر ترتیب تحلیل های مختلفی دارد بحث می شود و مُسْتَشْرِقین هم در این زمینه خوب کار کردند یعنی خوب پنبه را زدند. این بحث هایی که اعتقادات و مبانی شیعه چیزهایی هست که در قرن های بعد ساخته شده است مثلاً ما کتاب هایی که در غرب تحت عنوان تاریخ تشیع تدریس می شود نویسندگان شان کی هستند؟ بهائی اند، بهترین کتاب هایی درسی و کُرسی دانشگاهی آمریکا که رسماً کتاب های اسلام و شیعه هستند نویسندگان اش بهائی اند. این تفکر است که به تدریج اندیشه و تفکر شیعه در تاریخ ساخته شده است و مبنای اولیه ای نداشته است مثلاً موقعی که تاریخ غدیر را بحث می کند می گوید شیعیان چنین اعتقادی دارند و نمی گوید که این واقعه تاریخی غدیر اتفاق افتاده بلکه می گوید شیعیان چنین اعتقادی را دارند و این حتی در اندیشه فارسی و علماء ما نفوذ کرده لذا این کتاب، کتاب خیلی مهمی هست و به همین علت باید نوشتن اش دقت بشود و ویرایش دقیقی بشود و من فکر می کنم هر کاری که می خواهد این حلقه انجام بدهد یکی از کارهای این گروه باید این باشد که این را مبنا نشان بدهد. ببخشید من این جمله را خیلی رُک می گویم و این مطلب از اهمیت و علاقه ای که به رهبری هست را کم نمی کند، این را باید تقویت کرد که رهبری تقویت بشود و ایده و تفکرش قشنگ جای بیافتد لذا این کتاب به عنوان تاریخ سیاسی ائمه نیست و تاریخ سیاسی تشیع است و من کتاب سوم اش را ترجیح می دهم چون که خیلی جامع تر و دقیق تر است، قشنگ تر نوشته شده است و برای خواندن جذاب تر است. این یک مسئله و دوم اینکه به عنوان مُتَقَدِّم خواندم اش، چنین کتابی با حالت سخنرانی خوب هست ولی به عنوان کتابی که (حدود یک میلیون نسخه چاپ شده به دقت بیشتر نیاز دارد.

آقای دکتر:

تیراژ کتاب چه تعداد هست؟

حضار:



مجموع شمارگان 430 هزار نسخه است. ببینید من در ابتداء خدمت دوستان عرض کردم که نوشته نویسنده بیانات دانشمند، اصلاً آقا کجا و دانشمند کجا، من باید دنبال این کلمه باشم که خودم را دانشمند معرفی کنم و جا بیاندازم و آقا همچنین نیازی ندارد و در هر کدام از ویرایش اش استاد عزیز گفته است.

آقای دکتر:

حکیم را می گفت بهتر بود.

حضار:

ویراستار استاد، ما در کتاب های ادبی یک چنین چیزهایی نمی نویسیم مثلاً می نویسیم علی قنبری ویراستار. هر کدام شان را با دقت نگاه کنید یکسری ضعف هایی دارد که متأسفانه ضعف های من ویراستار و جمع آوری کننده به نویسنده می خورد. بعضی مواقع هم متأسفانه متهم نشویم که یکی را که می خواهیم خراب کنیم بد ازش دفاع کنیم لذا این مسائلی هست که من در آن هفتاد هشتاد صفحه ای که از کتاب خواندم برخوردارم، بعضی جاها را ببینید که دقت و ملاحظه اینکه کلمات با هم تعارض نداشته باشد، اینجا سخنرانی هست و سخنرانی هم برای پنجاه سال پیش است مثل بیست سالگی و بیست و پنج سالگی ما و آدم در سخنرانی تُوَق می زند و این دقت را در سخنرانی نداشته باشد ولی من ویراستار باید به این کار مُسلط باشم لذا یک تیم مطالعات تاریخ اسلام آگاه به کارهایی که غربی ها درباره تاریخ اسلام می کردند باشند.

آقای دکتر:

اینها در رابطه با شکل نوشتن است و راجب نظریات اش را هم بفهمید.

حضار:

نظریات یکی است، دقیقاً روی جلدش نوشته است سیره سیاسی روش مبارزه ائمه، یعنی ببینید من یک محقق هستم و از تاریخ اسلام همه چیز می توانم از توی اش در بیاورم. جناب دکتر فوزی من اخلاق ناصری را در می آورم و در اخلاق ناصری شیوه مشروب خوردن را نوشته است، اخلاق ناصری مال کی هست؟ برای خواجه نصیر الدین طوسی است، من یک موقعی هست که اخلاق ناصری را می خوانم مبانی فقهی خواجه نصیر الدین را در می آورم و مبانی حکومت اسلامی اش را در می آورم و در این مطالعه بحث من به عنوان یک محقق این هست که حیات سیاسی امام را تدوین کنم که در این مورد خوب کار کرده و مطالب را به عنوان یک سخنران خوب جمع کرده است ولی اینکه به عنوان یک کتاب تدوین بشود باید به یک ویرایش عمیقی برود. بعضی موقع ها ما می آییم برای یک کتاب منابع را جمع می کنیم و براساس آن منابع کتاب را می نویسیم و یک موقعی هم کتاب می نویسیم و می گوئیم فَبَرِیکِیت است یعنی از نظر علمی تقلب علمی حساب می شود ولی این نیاز دارد که بعد از نوشتن مان بیایم و یکی یکی با مستندات علمی اینها را تطبیق بدهیم و گرنه خیلی دقیق هست اش و در کتاب تفکر خیلی درست هست اش و ما نیاز به این داریم. جامعه اسلامی ما، ایران اسلامی ما احتیاج دارد که حیات سیاسی ائمه را تدوین کند چون پشتیبان ولایت فقیه ما هست، ثنوری ولایت فقیه ما هست، این تاریخ پشتیبان تفکر سیاسی ما هست لذا این باید تقویت بشود و من پیشنهادم این است که شما کتاب سوم را انتخاب کنید چون که زحمت این گونه کتاب نوشته شده خیلی مُدوَن هست اش و اشتباهات فاحش این و وقت گذرانی این را ندارد و بحث های اش عمیق تر هست و من پیشنهادم این است که این کتاب را انتخاب کنید و شما عمیق تر جزئیات اش را می نویسید و نُت های اش را تهیه می کنید، من خودم در دانشگاه تاریخ اسلام درس می دادم و اینها می تواند باعث شود که دقیقاً اینها را کامل کنید، مثلاً نوشته که پیامبر با هم زندگی می کردند و با هم می خوابیدند، خُب اگر بخواهد این را این گونه ترجمه کند قشنگ نیست و خیلی چیزهای دیگری دارد، ببینید در اینها بخواهید یک مقدار شیطنت بکنید و 400 هزار تا هم چاپ اش کردیم. یک مقدار ضعف من نوعی دارم و برگزاری این جلسات مبارک است که بیاید این نواقص اصلاح بشود لذا

بحث کلی اش جالب است و هیچ حرفی هم نداریم. در بحث فلسفه تاریخ به عنوان مقدمه می توانیم این را مطرح کنیم، فلسفه تاریخ و جامعه تاریخ شهید مطهری هست و سنت های الهی شهید صدر هست اش و آیت الله مصباح هست اش و این یک مقدماتی بشود و تاریخ پیدایش شیعه را می توانیم بحث کنیم که تاریخ شیعه نباید سیصد سال بعد از حیات ائمه ثبت شده و در قرن دوم و سوم ساخته شده است. بحث هایی که در ادبیات رایج ما هست حتی در ایرانی ها هم زیاد شده لذا من پیشنهادم این است که کتاب مان را روی حلقه سوم بگذاریم و دوم این بحث هایی که آقای دکتر و دیگران کردند این را مستندسازی اش را با تجربه ای که داریم و افرادی که تاریخ اسلام را خوب کار کردند و معتقد هستند و برگرفته از اندیشه های غربی نیستند، آنها تقویت اش کنند و ارائه بدهیم و به آنها بگوییم که این حاصل پژوهشگاه و این کار علمی را کرده و حالا این کار تحویل شما و می خواهید نشرش بدهید این اصلاحات را انجام بده و نشرش بدهید، این پیشنهاد من است. البته جزئیات اش را هم کامل مشخص کردم و در جلسه بعدی بیان می کنم.

آقای دکتر:

این کتاب البته این سند نوشته چاپ 101 آبان 1402 و الان به حدود یک میلیون چاپ رسیده است و من اصلاً می گویم که این کتاب باید باشد به همین دلیلی که شما گفتید. این کتاب در جامعه هست و به قول آقای دکتر سُلگی این نقطه نظرات و ایرادات درباره یک کتابی که حدود نیم میلیون تا یک میلیون چاپ شده است و در داخل کشور هست، جامعه علمی و پژوهشگران ما نباید نسبت به این کتاب که در سطح جامعه پخش شده بی تفاوت باشند هر چند که این را کنار بگذاریم و به سراغ جلد سوم برویم. اگر این کتاب ایراد دارد باید ایرادش را بگیریم و سفت هم پای اش بایستیم و اظهار نظر کنیم و ما بگوییم که این کتاب ایراد دارد و نخوانیم اش، این از جانب رهبر انقلاب اسلامی نوشته شده است و باید ایراد را بگوییم.

حضار:

از برداشت من سوء تعبیر نشود، من می گویم این کتاب باید تکثیر بشود ولی آن را اصلاح نکنیم.

حضار:

بسم الله الرحمن الرحيم

عذرخواهی می کنم من قبلاً این کتاب را در قالب متن خوانی در خدمت آقای دکتر نجفی و آقای دکتر زیواری یک دور متن خوانی کردم و این قسمت 85 صفحه ای اول اش هم کُلّیت اصلی اش چون قسمت پیامبر اعظم اش که جزء انسان 250 ساله نیست و از بعد رحلت پیامبر شروع می شود و این قسمت اول اش چیز مهم اش وجه تسمیه اش هست که آقای دکتر در بیانات خودشان فرمودند و من بیشتر می خواهم از اساتید استفاده کنم ولی یک بخش قضیه به این برمی گردد که این کتاب باشد یا نباشد و ایراد دارد یا ندارد. بحث دوم هم به طرح مسئله برمی گردد. آقای دکتر قنبری در قسمت اول بستگی دارد که این کتاب را با چه نگاهی بخوانید نگاه کنید و به نظر من با دید فلسفه تاریخ بخوانیم به این کتاب نگاه کنیم اشتباه هست. این کتاب یک بُرش تاریخی از یک مقطع زمانی از یک حرکت است. بُرش را اگر ما بخوانیم فلسفه تاریخ نگاه نکنیم این انسان 250 ساله که در اینجا می بینیم ادامه انسانی است که از حضرت آدم شروع شد و به اول انسان 250 ساله رسید و بعد از انسان 250 ساله با تایید حرف شما با ولایت فقیه ادامه پیدا می کند تا مهدویت. فلسفه تاریخ می گوید که چی؟ می گوید اصلاً دو تا نگاه به تاریخ است یکی اینکه یک نوری یا چیزی در آینده هست که تاریخ را به سمت خودش می کشد و تاریخ را می سازد یعنی همه اینها به سمت آن

نور می روند و یک بحث دیگری هم هست که می گوید نه بلکه از پایین دارند آجر به آجر می گذارند که به آن نقطه برسد یعنی این گذشته است که آینده را می سازد. از نظر شهید مطهری این آینده است که دارد گذشته را می سازد یعنی این آینده ما را دارد می کشد، فلسفه تاریخ این را می گوید.

آقای دکتر:

کجا این حرف را زده اند؟

حضار:

در داخل کتاب شان هست و خدمت شما عرض می کنم. اصلاً فلسفه تاریخ چی هست اش و الان این چیزی که شما گفتی معنی اش چی می شود؟ معنی اش این می شود که ما داریم به سمت نور می رویم یعنی آینده ما را دارد می کشد.

آقای دکتر:

دو تا نگاه در فلسفه تاریخ هست. یکی می گوید تاریخ متشکل از مقاطعی است که فاقد ارتباط منظم با هم است و هر دوره ای بُرش مختص خودش است و توی این کتاب می گوید که نه، مسیر تاریخ یک مسیر کالبدی است.

حضار:

این مسیر روبه چی می رود؟

آقای دکتر:

روبه تعالی.

حضار:

پس این تعالی است که ما را به سمت خودش می کشد. آقای دکتر من حرف خودم را می زنم و طرح بحث بود و من آمده ام که در اینجا یاد بگیرم و شاگردی کنم. این فلسفه تاریخ دارد می گوید که ما داریم روبه تعالی می رویم یعنی همه تاریخ حتی دو گام به عقب یک گام به جلو و سه گام به جلو و یک گام به عقب روبه تعالی داریم می رویم این همین می شود که آینده ما را به دنبال خودش می کشد یعنی آینده است که گذشته را می سازد و این آجرها را روی هم می گذارد. اگر بخواهیم به این نگاه کنیم عرض کردم باید شروع کنیم از حضرت آدم مگر شما می توانید پیامبر را در نظر بگیرید و گذشته اش را در نظر نگیرید، حضرت موسی و حضرت عیسی را در نظر نگیرید، این یک بُرشی است همان طور که آقای دکتر فرمایش کردند، این یک مقطعی از زندگی تاریخ اسلام را دارد می گوید که یک نخ تسبیح دارد که این نخ تسبیح امامت است و امامت برای چی هست برای اینکه حکومت نبوی را منتقل کند به حکومت علوی. شما همه این امامان را نگاه کنید هر جا که تقیه کردند و هر جا که مبارزه سیاسی کردند و هر جا که مثل امام حسین به میدان آمدند و شمشیر زدند همه اینها از امامت یک قدم پس نکشیدند یعنی در حال تقیه هم گفتند که ما امام هستیم ولی روش شان این بوده که مثلاً سفیر بیاندازند و در جاهای مختلف شبکه سازی بکنند و یک جای دیگری آمدند و گفتند که ما امام هستیم و مبارزه کرده اند. خود حضرت آقا در قسمت اول کتاب یک کلمه ای را می گوید که امام علی معنی حکومت را عوض کرد، معنی حکومت را عوض کرد یعنی چی؟ آیا آمد گفت که فلانی حاکم نباشد، نه، آمد شکل گیری و روش تعیین حاکم را از روش های استخلاف و روش های قبلی که بود گفت که همه مردم جمع بشوند و با مشروعیت و نظر جمع و عام من را قبول کنند و در نهایت همه مردم جمع شدند و چند بار هم آمد و رفت و این درخواست را رد کرد تا جایی که فردی که بیشترین اعتراض را هم داشت و مخالف بود به درب خانه امام علی آمد و گفت آقا شما بیایید خلیفه بشوید و شما بیایید حاکم بشوید و نه خلیفه و اینکه می گویند حکومت علوی معنی حکومت را عوض کرد منظور این است. من مطالب ام را جمع می کنم و در مقابل اساتید تاریخ من شاگردی می کنم و واقعاً شاگردی هم باید تا انتها بکنم، اینکه اگر بخواهیم به آن نگاه ببینیم باید ادامه اش را داشته باشیم چون خود این حضرت امام زمان را تا زمان غیبت صغری اش در نظر می گیرد و حتی بعدش را در نظر نمی

گیرد و اگر این باشد که منقطع می شود ولی ما بحث ولایت فقیه را در ادامه اش داریم تا به مهدویت می رسد و مسئله دیگر اینکه این مقطع یک بُرشی است مثلاً امام علی را می گوید که هم زاهد روز بود و هم فلان شب بود و هم مبارزه سیاسی می کرد و این یک بُرشی از مبارزات سیاسی ایشان هست. ببخشید که من یک مقدار عرایض ام طولانی شد.

آقای دکتر:

ممنونم. من یک جمله ای بگویم و در خدمت آقایان دکتر صابر و مومنی هم باشیم. اصلاً این جلسه برای این برگزار شده است که آراء مختلف و از زوایای مختلف به این متن نگاه بشود و در واقع مطرح بشوند که یک بهره ای ببریم و ما چه بخواهیم و نخواهیم این کتاب آقای دکتر سخنرانی است و ما می خواهیم راجب این سخنرانی ها که جمع و جور شدند، از طرف یک آدم عادی که این مطلب گردآوری نشده، تدوین نشده و فردی است که الان سی و چند سال است که دارد این انقلاب را هدایت می کند و این انقلاب بزرگ طرف حساب کل عالم است و این مبنا فکری رهبری که دارد این انقلاب را هدایت می کند بخش عمده ای از آن شاید همین باشد و روی همین اساس ما وظیفه مان هست چون اهل تحقیق و پژوهش هستیم و نقد داشته باشیم و در اینجا طرح بکنیم و اگر نظری مطرح می شود باید زاویه مقابلی به آن اضافه بشود و موضوع اصلی همین است و من خیلی وارد جزئیات نمی شوم و فرمایشات دوستان دیگر هم استفاده کنیم.

حضار:

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده ضمن تبریک اعیادی که در آن هستیم. از آقای دکتر بابت ایجاد این حلقه و پیگیری برای مطلبی که در این حلقه باید مطرح می شد تشکر می کنم. من خدمت آقای دکتر قنبری عرض کنم که آقای دکتر هر سه حلقه را دیده اند و شما درباره حلقه سوم راست می گوید در حلقه سوم موضوع جزئی تر است و برای تحلیل محققین از حلقه سوم بهتر می توانند استفاده کنند و حلقه دوم هم برای عموم افراد است. آقای دکتر هم در جریان این موضوع بود ولی منتها گفتند جلسه اولیه را بدین شکل انجام بدهیم و بقیه موارد انشاءالله برای جلسات بعدی باشد و تصمیم بگیریم. عرض ام به خدمت شما پیشنهاد من اینکه اگر بشود چون الان مطرح می شود و کلی تر صحبت می شود اگر آن صفحات مشخص بشود و بحث هایی که افراد می خواهند انجام بدهند در آن بخشی که مشخص می شود من فکر می کنم آن موقع خروجی خوبی داشته باشیم. من خدمت اساتید جسارت می کنم در مورد دو تا نظریه صحبت می کنم. با توجه به این نظریه که در این کتاب آمده و اساتید بزرگوار هم اشاره کردند که در واقع به روند تکاملی انسان اشاره کرده است و برای فهم بهتر این مسائل من نظرم این است که با توجه به صحبت های اولیه که اساتید کردند خُب این یک سخنرانی است و باید در واقع از منابع دیگر درباره این کتاب استفاده بشود و منبع کتابی که من انتخاب کردم کتاب قرآن و علوم طبیعت است که کتاب آقای دکتر گلشنی و همین طور می شود که از نهج البلاغه استفاده کرد و منابع دیگری که هست. عرض ام به خدمت شما که ما در شرایط و روزگار دیگری هستیم و اگر ما بخواهیم موارد این چنینی را بهتر بفهمیم و تفسیر تحولات و اتفاقات بین مسائل دو گانه گی جهان اسلام هست اش و تشییع و تسنن و شکافی که بین این دو هست و من چیزی که مدنظرم هست و اگر اشتباه هست دوستان بفرمایند و من استفاده می کنم، تصورم این است که اگر ما بخواهیم از دو نظریه هر دو تکنیک برای فهم بهتر و خوب تفسیر بکنیم و حالا چون اشاره شده و من در این کتاب خواندم موضوع غدیر است و وحدت جهان اسلام است و تصور من این است که به وحدت شیعه و سنی را می توانیم از موضوع هر موننتیک می توانیم وارد بشویم و از این نظریه استفاده بکنیم و یک نظریه دیگر من کلمه انتظار وجود دارد که در واقع دو تا مقاله در این موضوع من عنوان اش تنظیم کردم و با آقای دکتر هم همفکری کردم و ایشان هم دستور دادند که این دو تا مقاله کار بشود که ارتباط نزدیکی به موضوع این کتاب انسان 250 ساله دارد و همین طور به موضوع نهج البلاغه و وحدت جهان اسلام که ما از غدیر می توانیم استفاده بکنیم. من بیشتر از این مزاحم دوستان نمی شوم و اگر دوستان جزئی تر این دو تا نظریه را بخواهند من می توانم در

خدمت عزیزان باشم و یادداشت هایی را خدمت شان عرض کنم.

حضار:

بسم الله الرحمن الرحيم

والا آقای دکتر امروز که شما فرمودید اطلاع نداشتیم که قرار است چند صفحه از این کتاب خوانده بشود و حالا انشاءالله من آمده ام که یاد بگیرم و اگر جایی و بخشی بود که بتوانم کمک بکنم. آقای دکتر به نظر من همین جلسه امروز چون من که دانشجوی هستم و اساتید که صحبت می کنند من فکر می کنم نیاز به یک تصمیم گیری دارد که قرار است ما با این کتاب چه بکنیم، یعنی قرار است شرح داده بشود یا قرار است نقد بشود یا قرار است که تکمیل بشود و به هر حال هر کدام از اساتید و حضار توی یک حوزه ای مطالعه و فکر می کنند مثلاً آقای دکتر که صحبت می کردند مُدام ذهن ام به سمت علم امامت و بحث الهیات و اینها. آقای دکتر از تاریخ می گفتند بالاخره ذهن ها فرق می کند و به نظر من تشدّد ایجاد می کند یعنی نگاه ها و تخصص ها مختلف است و به نظر من یک جایی باید تصمیم گرفته شود که آقا ما می خواهیم این کتاب را بخوانیم که به نظر من که در حوزه فلسفه دارد کار می کند این ایده کتاب باید تکمیل بشود مثلاً شما از یک طرف ایده ای دارید که آقای دکتر گودرزی هم فرمودند درباره یک نوری که در قرآن است و ما تعبیر می کنیم که خود خداوند متعال هست این در وجود ائمه) ع (تبلور پیدا می کند یعنی یک امری که نامحدود است و از یک طرف دیگر می بندیداش و می گوید 250 سال، خُب آقا بقیه اش چی؟ یعنی یک ایده ای که باید چکش بخورد و کامل بشود. من فکر می کنم نیاز به تصمیم گرفتن دارد که حالا از طرف شما یا اعضاء محترم باشد که آقا ما می خواهیم نقد کنیم، آقا ما می خواهیم ایده ای که دارد را بیرون بکشیم و این را می خواهیم کامل بکنیم و اگر بدین صورت باشد یک خروجی خوبی را هم خواهد داشت و یک جمع بندی از این تشدّدها که مثلاً آقای دکتر جنبه تاریخی اش را می گویند و آقای دکتر فوزی مثلاً جنبه سیاسی اش را مطرح می کنند و یک جا می آید جمع بندی می شود در ذیل عنوان تبیین این کتاب یا تبیین ایده این کتاب یا تکمیل ایده این کتاب و خروجی اش هم می تواند به عنوان حالا یک تکمّله ای باشد یا تغییر نو از این ایده باشد و به جامعه علمی کشور ارائه بشود که آقا این حرف از این حلقه بیرون آمده و حالا شما بفرمایید نظر باقی چی هست اش. من این نظر را دارم.

حضار:

من فکر می کنم که آن بحث اساسی را که همه مُتَّفِق القول هستند و به همین خاطر هم جمع شدند این هست اش که یک وحدت عقیده ای هست درباره کل هستی اصلی تفکر کتاب و آن حیات سیاسی ائمه است و این را کسی شبهه ای در آن ندارد و موضوع دوم این است که آن را خیلی هم مهم می داند و باید این تکمیل بشود که آن تفکر و اندیشه ولایت فقیه که در بطن شیعه نهفته است و چیز جدیدی نیست و برای تقویت این پشتیبانی تاریخی لازم دارد که این کتاب نقش اساسی دارد و بحثی را که ما می کنیم در رابطه موضوع گوینده نیست، ما به عنوان کسی که آمدیم و جمع آوری کردیم به اعتقاد من آن دقت لازم را نکردیم. ما که جمع آوری کننده این متن بودیم آن وظیفه اساسی خودمان را که تعهدی بوده که نسبت به گوینده داشتیم و مقام بزرگی که ایشان دارد یک مقداری کوتاهی کردیم و من پیشنهادم این است که ما به عنوان دستیار این افراد که این کارها را می کنند آن را بیابیم و تقویت اش کنیم هم از نظر بنیان های اولیه که اعتقادهای فکری که شاید در شمیمه تاریخ درباره شیعه و اسلام هست اش را پالایش اش کنیم و خط مان را از اول مشخص کنیم و بعد برای اینکه تقریباً این کتاب را مستندسازی و قوی کنیم و نگوییم که شیعیان می گویند و می گویند، نه، مستندات می داریم مستند به شواهد تاریخی کنیم و اینها را تقویت کنیم و معنی هم این نیست که کتاب را جمع اش کنیم، نه، معنی این است که کتاب را تقویت اش کنیم و ویرایش دوم با اصلاحات پاورقی توی اش بزنیم که چیز قوی بشود و می تواند یک ویرایش جدیدی بر این کتاب باشد.

حضار:

آقای دکتر من نظرم این است درباره این کتاب نمی توانیم حلقه چهارم ایجاد بکنیم.

حضار:

مسئله این است و یک واقعیتی است که این کتاب باید مستندات اش زیاد بشود.

حضار:

مطالب مختلف نقد می شود و همان نقدها را جمع آوری کنیم.

حضار:

اول ممنون آقای دکتر از این اتفاق مبارک و اینکه این کتاب خوبی را انتخاب کردید و من خواستم دو تا نکته را یادآوری کنم در راستای آقای دکتر قنبری به صورت ویژه، یک آقای دکتر استحضار دارید و با بنیاد نشر آثار مقام معظم رهبری بیشتر و بهتر آشنایی دارید و یک محدودیت هایی دارند که دقیقاً می بینید که فرمایشات مقام معظم رهبری پایین اش تاریخ خورده و به صورت مشخص و بدون کم و کاست باید درج شود و این کار را سخت است، یعنی شما درست فرمودید که با هم خوابیدن واژه خوبی نیست ولی شما آن را بخواهید در پاورقی هم بزنید باید خیلی دقیق و ظریف باشد که یک موقع حاشیه ساز نشود و یک نکته که خیلی مهمتر است و این را بهتر می توانیم آن را قدم برداریم آخرین سخنرانی که در این کار استفاده شده که من قبلاً پی دی اف اش را دیده بودم و امروز از آقای دکتر مومنی یک لحظه قرض گرفتم دیدم که سال 83 است و از بعد سال 83 تا کنون مقام معظم رهبری بیست سال است صحبت هایی داشته اند که اتفاقاً در راستای زندگی ائمه اطهار شما می توانید آنها را جداسازی بکنید مثلاً می دانم حدود دو سال پیش ایشان درباره امام موسی کاظم صحبت های خیلی خوبی داشتند و شما می توانید آن سخنرانی را به این کار اضافه کنید یعنی اتفاقاً اضافه کردن جای اش هست یعنی با آن موضوع مشکلی نداریم و شما می توانید آن را پیدا کنید و دقیقاً مثل همین کار هست که در ادامه زندگانی امام موسی کاظم این بخش هم براساس فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در سال 1394 است و فکر می کنم این خیلی راحت است و ظرفیت خوبی هم دارد.

حضار:

بخشید متأسفانه دوباره کج فهمی است. این کتاب و صحبت های آقا می خواهد کتاب بشود در سخنرانی کسی قُت نُت استفاده نمی کند، درسته؟ ولی کتاب به عنوان یک کتاب تاریخی شما اگر قُت نُت اش را بگذارید به اصل کتاب هیچ خدشه ای وارد نمی شود چون این را تقویت اش کردی.

حضار:

شما همین نظراتی که دارید در رد کردن یا تایید کردن اش می توانید مستنداش کنید. کار علمی را می توان مستند اش کرد.

آقای دکتر:

آقای دکتر ما حاصل نظر دوستان چاپ می شود یعنی دقت نظر داشته باشیم حرفی که می زنیم مستند باشد و بعدها ما هم مثل کسانی که این کتاب را نوشته اند و درباره غلط هایی که در جمع و جور کردن اش داشتن باید جواب بدهند ما هم باید پاسخگو باشیم و بر این اساس یک دور که پیاده شد مجدد می دهیم که دوستان ببینند و در نهایت راجب اش یک ویراستاری به عمل بیآوریم، این یک نکته است و اما مطلب دوم هم اگر دوستان فرمایشی نداشته باشند یک جمع بندی کنم چون پنج دقیقه آخر جلسه مان هم هست این که بالاخره سخنرانی است و کتاب هست و نقص دارد و در این تردیدی نداریم و هر کسی کتابی را می نویسد این کتاب را نوشته که درباره اش نقد کنند و هیچ کتابی نوشته نمی شود که مورد نقد، تجزیه و تحلیل و اظهار نظر غیر خودت قرار نگیرد حتی خود ما هم کتابی یا مقاله ای می نویسیم و به نگارش در می آوریم و دو سال بعد که نگاه می کنیم می گوئیم که این مطلب چی بود که من گفتم حتی خودمان روی این اساس هر کسی که غیر معصوم نوشته باشد و باز هم معصوم را ما احتیاط می کنیم و غیر ما دیگران هم درباره حرف معصوم را هم هر کاری می خواهند انجام می دهند و ما وظیفه مان این هست و بهترین جا برای نقد شدن در این مجموعه ها هست و این نکته اول درباره اصل قضیه و مطلب دوم را آقای دکتر مومنی اشاره داشتند و

جنابعالی هم فرمودید که در اصل اش بحث نیست که انسان 250 ساله مبهم نیست و روشن است که انسان 250 ساله کی هست، انسان 250 ساله آقای دکتر یعنی امامت که کلمه اش شده انسان 250 ساله و نگفته امام علی و نه گفته امام حسن، امامت یعنی انسان 250 ساله. شما شاید هنوز کتاب را ندیده اید و اگر کتاب را ببینید خود شما هم همراه می شوید حتی شما قبل از اینکه با فیزیک کتاب همراه شده باشید و مطلبی را ورود کردید و طرح نامه نوشتید که به حواشی خود بحث ملحق بشوید. من می خواهم در جمع بندی این را عرض کنم، فرض کنید یک مطلبی صاحب جواهر مثلاً آیت الله محمد حسن نجفی نوشته بعد دیگری تعلیقی می زند و دیگری تعریضی می زند. یک مطلبی صاحب عروه مثلاً آقا سید محمد کاظم یزدی نوشته و بعد دیگری تعلیقی می زند. آقا وقتی این کار را موافقت کردند که جمع آوری بشود و برای انتشار آماده بشود و بعد هم آقا آدم خاصی است و می خواند و می بیند و بعد می گوید در داخل جامعه منتشر کنید و نوشته که داخل قفس برود و کسی درباره اش حرف نزند. ما که مقام معظم رهبری را می شناسیم حالا اگر این صاحب عروه بوده باشد و صاحب جواهر بوده باشد با آن چندین جلد دیگران می آیند بهش تعریض می زند و ما راجب این کار تعریض بنویسیم چون درست است که در آنجا باید مجتهدها اظهار نظر کنند راجب آن مطالب که مراجع و فقهاء و حتی به بعضی مراجع گفته اند خاتم المجتهدین و خاتم الفقهاء مثل صاحب جواهر ولی بعد از آن هم این اتفاق افتاده و یعنی تا آن تاریخ خاتم المجتهدین بوده و این حرف که اگر آقا خاتم تنورسین راجب امامت باشد خُب ما همه مان کارشناس سیاسی هستیم و یک جوری اظهار نظر می کنند و تعریض و حاشیه می زند و آقای دکتر فوزی در ابتداء بحث مطلب خوبی بیان کردند که بعضی دوستان هم از این منظر به کار نگاه کردند و اظهار نظر داشتند که مبنای مان کتاب باشد ولی در صحبت های مان از منابع دیگر و کارهای دیگری و در موضوعات دیگری ورود کنیم و این را هم تکمیل کنیم.

حضار:

آقای دکتر من می خواستم که این را عرض کنم که زمان این سخنرانی ها را مدنظرمان داشته باشیم. زمانی این سخنرانی ها انجام شده و این مطالب از سمت حضرت آقا گردآوری شده که دهه 50 بوده و نه خبری از حکومت اسلامی بوده ولی توی اینجا حضرت آقا صحبت از حکومت اسلامی می کند یعنی زمینه سازی می کند که انتهای اش شروع به یک حکومت اسلامی می شود. آقای دکتر:

آقای دکتر گودرزی شما یک شخص که این توانایی را داشته باشد سی و پنج سال در مقابل همه دنیا و یک نظام جدا از هم نیست را اداره بکند حتماً مبنا و مبنای قوی بالاخره داشته و روی این اساس ما هم وظیفه مان هست. من یک جمله ای از آقای دکتر قنبری بگویم، یک روز همین جوری یک مباحثه دو نفری در خدمت ایشان بودیم و استفاده می کردیم گفتند که انقلاب اسلامی یک سرفصل جدیدی به علوم سیاسی اضافه کرد و علوم سیاسی یک تعریف دیگری پیدا کرد و ما همه این را متوجه شدیم حالا شکل انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب اسلامی و مدل حکومتی انقلاب اسلامی اصل اش اینجا هست و در کل دنیا هم دارد اثرگذاری می کند به همین جهت وظیفه ما است و من در این موضوع در عرایض تکمیلی ام دو نکته بیان کنم یکی اینکه پوستر امام علی را در آن گروه آقای دکتر صابر می گذارد و پوستر الان خام است و دقت کنید که عرض می کنم تا به تصویب جلسه هیات اُمناء بیست و نهم در چند روز آینده برسد و اگر نکته ای دوستان داشتند و حتی بعد از آن می توان که اصلاح کرد را بفرمایند و محورها و کارهایی که درباره کنگره بین المللی امام علی (ع) (و انسان 250 ساله و تمدن نوین اسلامی هست را دوستان بگویند چون بعضی محورهای اش با این موضوع ارتباط تنگاتنگ پیدا می کند و آنجا هم بالاخره یک ابزار و وسیله ای است برای همین نکات و نقطه نظرات و انشالله هفته بعد هم جلسه داشته باشیم.

حضار:

جلسه هفته بعد کی هست؟

آقای دکتر:

ما هفته بعد جلسه را نمی گذاریم و آقای دکتر الان تا قبل از عید حدود چهل دو و سه روز باقی مانده است و چون مصادف با ماه رمضان می شویم و این موضوعات هم در این ماه جای داشته باشد می خواهیم دو جلسه برگزار کنیم و با یک جلسه هم می توان جمع و جورش کرد و اگر توانستیم که زودتر به یک نقطه ای برسد و بقیه دوستان هم به کنگره خودشان را برسانند و کمک کنند.

حضار:

این کتاب را می خواهید برسانید یا کنگره را برسانید؟

آقای دکتر:

نه این جمع و جور شود و هر کسی به جمع بندی برای خودش برسد و این کتاب ممکن است آقای دکتر به همه ما یک فضایی بدهد.

حضار:

آقای دکتر من این کتاب را الان دیدم و من این را ندیده بودم و این قسمت تکمیلی اش خیلی جالب است.

آقای دکتر:

بله، آن خیلی بهتر است، آقای دکتر اگر شما تمایل داشته باشید ما دو جلد از این کتاب را داریم و باز هم شما تهیه بکنید و ما در خلال ادامه بحث مان با این کتاب اصلی چون الان دوستان متن را این کتاب را دارند و آن کتاب را هم برای دوستان می گیریم. من معتقدم بحث بعدی را شما یا آقای دکتر قنبری از ان کتاب بر عهده بگیرید و بیایید و مطرح کنید و تفاوت های اش را هم بیان کنید و اگر تمایل دارید روی صد صفحه اول چون که می گوئید جالب است. جلسه بعدی مان انشاء الله 15 اسفند باشد. جلسه بعدی در گروه اطلاع رسانی می شود.

پایان جلسه

\*\*\*